

بررسی و تحلیل کارکرد منظومه‌های عروضی و واژگان و اصطلاحات وزن

در شعر فارسی

منوچهر تشکری^۱ - مختار ابراهیمی^۲ - پیام نیک‌بیان^۳

چکیده

آموزش وزن شعر سنتی فارسی تا پیش از پیدایش عروض علمی، از چالش برانگیزترین مسائل ادب فارسی به شمار می‌رفته و عروضیان کوشیده‌اند تا این مسأله را با ابداع روش‌های نو برطرف سازند که بر اساس سنت ادب فارسی، یکی از کارآمدترین شیوه‌های ساده سازی فرآیند آموزش عروض، بهره‌گیری از مقوله‌ی نظم بوده است؛ بنابراین نویسندگان پژوهش حاضر پس از مطالعه‌ی دیوان‌های شعری و استخراج شواهد بر اساس گزینش غالب متون شعری که در آن‌ها به نکات وزنی و عروضی اشاره شده است، به تحلیل کارکرد منظومه‌ها و واژگان و اصطلاحات عروضی پرداخته و دو رویکرد متفاوت شاعران را در کاربرد عروض شعر فارسی شناسایی کرده‌اند. رویکرد یکم به‌کارگیری شعر با هدف ارتقای آموزش عروض و رویکرد دوم، بهره‌گیری از واژگان و اصطلاحات وزن برای تأثیرگذاری شعر بر مخاطبان است. در شیوه‌ی نخست، شاعران با هدف آموزش بهتر عروض کوشیده‌اند، مفاهیم عروضی را در قالب‌های موزون ارائه دهند که در نسخه‌های خطی با عنوان «عروض منظوم» نامگذاری شده‌اند. گفتنی است که خوانش اغلب این آثار، ملال‌آور است و بر سراینده‌گان آن‌ها خرده گرفته شده که سروده‌های‌شان از مباحث زیبایی‌شناسی، بهره‌ای ندارد؛ بنابراین شاعران به منظور رفع این مشکل، صنایع ادبی و عروضی را در اشعار خود گنجانده و بنیاد شعر مصنوع را پی‌ریزی کرده‌اند که البته این دو حوزه، دو مسأله‌ی تاحدودی مجزا هستند و می‌توان آن‌ها را در دو پژوهش مستقل نیز بررسی نمود. بر این اساس، آثار عروضی منظوم و قصاید مصنوع، دو بخش از شیوه‌ی شاعران در به‌کارگیری مباحث عروضی هستند که در پژوهش حاضر، نقد و بررسی شده‌اند. در بخش دیگر این مقاله، کارکرد واژگان و اصطلاحات عروضی از منظر جنبه‌های زیبایی‌شناسی، بررسی شده و شماری از مؤلفه‌های مذکور در شعر فارسی، استخراج و اهداف شاعران، ابتدا طبقه‌بندی و سپس به صورت داده‌های آماری در قالب جدول و نمودار، ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: عروض منظوم، آثار عروضی، واژگان و اصطلاحات وزنی، آموزش عروض، نصاب‌الصیبیان.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز. (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز.

۳. دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز.

بسیاری از منتقدان ادبی و تذکره‌نویسان فارسی، علم عروض را دشوارترین بخش علوم شعری دانسته‌اند و فراگیری این علم را - که از آغاز به دشواری و دیریابی مشهور است - نشان از توانایی ذهنی عروض‌دانان خوانده‌اند؛ چنانکه در حکایتی از زبان محمد بن جریر طبری آمده است: «چون داخل مصر شدم، کسی از دانشمندان باقی نماند که به ملاقات من نیاید. همگی دسته دسته نزد من می‌آمدند و مرا در علومی که خود در آن‌ها تبخّر و مهارت داشتند، می‌آزمودند؛ تا آنکه روزی مردی نزد من آمد و مسأله‌ای از علم عروض سؤال کرد و من پیش از آن روز به علم عروض میل و توجهی نداشتم. پس بدان مرد گفتم: با خود قرار گذارده‌ام که امروز در علم عروض سخنی نرانم؛ چون فردا شود، نزد من آی. آن‌گاه کتاب عروض خلیل ابن احمد را از یکی از دوستان خود گرفتم و در تمام شب به مطالعه‌ی آن پرداختم. پس روز را به شب آوردم؛ در حالی که از عروض بی‌خبر بودم و شب را به روز آوردم؛ در حالی که یک تن عالم عروضی بودم». (شهابی، ۱۳۶۳: ۹)

از سویی، بسیاری از شاعران، اشعار خود را در محضر پادشاه می‌خوانده‌اند و دانستن یا ندانستن علم عروض، جان آنان را به مخاطره می‌افکنده است؛ چنانکه شبلی نعمانی می‌گوید: «روزی یک نفر شاعر، قصیده‌ای در مدح جهانگیر نوشته، تقدیم داشت که مصراع اول مطلع این بود: ای تاج دولت بر سرت از ابتدا تا انتها. جهانگیر پرسید: عروض هم می‌دانی؟ شاعر گفت: نه. جهانگیر گفت: خوب شد و گرنه حکم قتلت را می‌دادم. بعد مصراع را تقطیع کرد و نشان داد که رکن دوم این‌طور می‌آید: لت بر سرت؛ که این تا چه حد بی‌ادبی و گستاخی است». (شبلی نعمانی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۷) زیرا در لغت‌نامه، «لت زدن» به معنی «سیلی زدن» یا «چک زدن» است. (ر.ک. لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه لت‌زدن) گفتنی است که برجسته‌ترین وجه تمایز، میان اغلب علوم انسانی و علم عروض، نهفته در این واقعیت است که عروض، دانشی زنده و پویا نیست؛ زیرا دگرگونی‌های آن سبب توسعه و پیشرفت این علم نشده است. *الول ساتن* عدم تکامل عروض سنتی را در مدّت بیش از هزار سال، چنین بیان کرده است: «گمان می‌رفت که چنین مطالعه‌ای [بررسی وزن شعر فارسی در کتاب مترهای پارسی] نشان‌دهنده‌ی روندهای تاریخی خاصی در استفاده و توسعه‌ی متر فارسی باشد؛ اما در واقع به‌زودی مشخص شد، نظام متریک که تا به امروز مورد استفاده‌ی جهانی قرار گرفته است (تا زمانی‌که انحصار با معرفّی شعر آزاد شکسته شد)، از هیچ جنبه‌ی اساسی با آنچه در زمان ظهور شعر فارسی اسلامی وجود داشت، تفاوتی ندارد. سوابق مکتوب بازگوکننده‌ی این حقیقت است که این نظام، برای مدّت طولانی بدون تغییر باقی مانده است». (Sutton, 1976: 3) ابوالحسن نجفی نیز به عدم تکامل عروض سنتی، خرده گرفته و نوشته است: «تمام کتاب‌هایی که در مورد عروض فارسی نوشته شده و از جمله کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم - که در قرن هفتم نگاشته شده - در واقع تکرار حرف‌هایی است که خلیل بن احمد برای زبان عربی گفته است». (نجفی، ۱۳۸۳: ۲۳) از منظر دیگر می‌توان شباهت بنیادینی میان قواعد عروض و دستور زبان یافت؛ همان‌گونه که برخی از گویشوران بی‌سواد ایرانی، در حالی که کلامی از دستور زبان نمی‌دانند، می‌توانند جملات زبان فارسی را به صورت صحیح و بی‌نقص به کار ببرند، شاعران نیز می‌توانند با پیروی از قواعد زبانی، شعری بدون سگته (وقفه) بسرایند؛ در حالی که از علم عروض بی‌بهره باشند. فین تیسن نیز ضمن اشاره به این نکته، قواعد علم عروض را برگرفته از ملاحظات زبانی می‌داند و می‌گوید: «قواعد عروضی را عروض‌دانان ابداع نمی‌کنند؛

همان‌گونه‌که قواعد دستور را دست‌نویسان ابداع نکرده‌اند. قواعد عروضی همه بر اساس ملاحظات زبانی توسط شاعران استنباط می‌شوند و اگر شاعران از این قواعد پیروی می‌کنند، به این دلیل بوده که زبان آن‌ها را مجبور به انجام آن کرده است. به عبارتی، قواعد عروضی در زبان فطری است و هر قاعده و استثنا، نشان از واقعیتی در زبان است» (Thiesen, 1982:7). بنابراین عروض‌دانی نمایانگر احاطه‌ی شاعر نسبت به قواعد و ملاحظات زبانی تلقی شده و برای شاعران، وجه تمایز و مایه‌ی مباحث بوده؛ تا آنجا که ادیب‌الممالک فراهانی، شرط لازم شاعری را اشراف به قواعد عروض دانسته است:

نه شاعر باشد آن کاندِر قوافی نداند فرق آخرم را ز آخرب

(ادیب‌الممالک، ۱۳۱۲: ۵۱)

شایان ذکر است که فراوانی کاربرد واژگان نامأنوس عربی و دشواری قواعد ارکان سنتی وزن شعر، فرآیند آموزش عروض را در هزاره‌ی نخست شعر فارسی به شکل غیرمعمول طاقت‌فرسا نموده است. *الول ساتن* دلایل دشواری قواعد عروض سنتی و شگفتی‌اش را از ماندگاری هزارساله‌ی این نظام چنین بیان کرده است: «یکی از نکات تیره و شگفت‌آور عروض مسلمانان، ناتوانی آن‌ها در تشخیص هجاست. در واقع آن‌ها هرگز نتوانستند مصوّت را جدا کنند؛ مگر به عنوان تابعی از صامت یا حرف... واقعاً شگفت‌آور است که چنین سیستم ناشیانه‌ای [عروض سنتی] باید تا این حد باقی می‌ماند» (Sutton, 1976:4). به بیانی، پیش از پیدایش عروض علمی، آموزش وزن شعر فارسی از چالش‌برانگیزترین مقولات ادب فارسی به شمار می‌رفته است. از این‌رو عروضیان در طول ادب فارسی کوشیده‌اند که این نقص را با ابداع روش‌های نو برطرف کنند. یکی از شیوه‌های ساده‌سازی فرآیند آموزش، بهره‌گیری از مزیت‌های نظم بوده است که این روش در روزگار معاصر نیز از اصلی‌ترین روش‌های آموزش علوم مختلف، به‌ویژه برای مخاطب نوآموز به شمار می‌رود. با این روش، شاعر (ناظم) مفاهیم و مباحث مورد نظر را در قالبی موزون به مخاطب منتقل می‌سازد. گفتنی است که پس از مطالعه‌ی دیوان شاعران ادب فارسی و تحلیل کارکرد واژگان و اصطلاحات عروضی در شعر، دو رویکرد شاعران در تقابل عروض و شعر فارسی - که با یکدیگر تفاوت بنیادین دارند - نمایان می‌شود: شیوه‌ی نخست، به‌کارگیری شعر با هدف ارتقای آموزش عروض و رویکرد دیگر، بهره‌وری از واژگان و اصطلاحات عروضی با هدف تأثیرگذاری و مضمون‌آفرینی در شعر است. به‌منظور تعیین منابع و تعداد آن‌ها، در سایت سازمان اسناد و کتابخانه ملی، واژه‌ی عروض جستجو و تمامی رساله‌های قابل دسترسی (بیش از نود درصد) ذخیره و مطالعه گردیده است. سپس بخش آثار عروض منظوم، بررسی و طبقه‌بندی شده و در ادامه، نام اصطلاحات عروضی موجود در «فرهنگ عروضی شمیسا» در درگاه‌های معتبر شعر (گنجور، شعر نو و...) واکاوی شده است. پس از آن، با مراجعه به کتابخانه‌ها نشانی ابیات مورد نظر، یافته و به منظور شناسایی هدف شاعر، ابیات پیش و پس از آن بررسی گردیده است. از سویی برای تصحیح نسخه‌ی خطی رساله‌ی «ریاض‌الصنایع قطب‌شاهی» یکایک زحافات شعر فارسی و عربی به‌دقت مطالعه و سپس صحّت و سقم قواعد موجود در هر بیت رساله با حافظه‌ی عروضی نگارندگان و استناد به کتب معتبری چون معیار الأشعار، المعجم فی معاییر اشعار العجم و رساله عروض سیفی، سنجدیه و میزان تأثیرپذیری شاعر از رساله‌های عروضی معتبر در سرایش منظومه‌ی «ریاض‌الصنایع قطب‌شاهی» تعیین شده است.

۲. پیشینه‌ی تحقیق

اگرچه تاکنون کتاب‌ها و مقالات فراوانی در زمینه‌ی وزن شعر فارسی منتشر شده، اما کمتر به صورت تخصصی، منظومه‌ها و واژگان و اصطلاحات عروضی را در شعر فارسی بررسی کرده و به کارکرد آن‌ها در شعر و اهداف شاعران از کاربردشان اشاره نموده‌اند؛ البته اغلب مصححان رساله‌های خطی، از جمله محمد فشارکی، سید محمد حسین حکیم و... در دیباچه‌ی آثار مصحح در مورد مباحث عروضی، سخن گفته‌اند. با این حال می‌توان گفت، مقاله‌ی «بهره‌گیری ادبی از اصطلاحات و لغزش‌های عروض و قافیه در ساخت تصویر و مضمون شعر» (۱۳۹۷) از مهدی دهرامی، نخستین تحقیق تخصصی درباره‌ی کاربرد اصطلاحات و لغزش‌های عروض در شعر است که نویسنده، مبحث مذکور را در هفت مدخل، بررسی نموده است. این مقاله با همه اهمیتش، تنها ساخت مضمون در شعر را بررسی کرده؛ در حالی که در پژوهش حاضر ابتدا اهداف متفاوت شاعران در به‌کارگیری واژگان تخصصی شعر با هدف آموزش عروض و استفاده از واژگان عروضی با هدف زیباسازی و مضمون‌آفرینی را تحلیل، طبقه‌بندی و آمارگیری نموده است. ازسویی، نویسنده‌ی کتاب «تلفظ در شعر کهن فارسی» (۱۴۰۱) نیز به کارکرد واژگان عروضی نظر داشته و از منظر وی، واژه‌ها و اصطلاحات عروضی در شعر فارسی، بیش از آنکه بازتاب‌دهنده‌ی تلفظ واقعی و شنیداری شعر باشند، ابزارهایی برای توصیف ساختار وزن به شمار می‌آیند. همین نویسنده با تمایز نهادن میان تقطیع عروضی و خوانش آوایی شعر، بر این نکته تاکید می‌نماید که تلفظ واژه‌ها تابع تکیه و پیوستگی زنجیره‌ی آوایی واژه‌هاست و نه لزوماً منطبق با الگوهای کمی برگرفته از عروض عربی. (ر.ک. عیدگاه‌طرقه، ۱۴۰۱: ۱۷۰-۱۶۵) عباسعلی وفایی نیز در کتاب «قصیده‌های مصنوع» (۱۳۸۲) در بازشناسی ویژگی‌های این نوع قصاید، تحقیقات با ارزشی را ارائه کرده است. به‌علاوه علیرضا شعبانلو در مقاله‌ی «تاریخچه‌ی قصاید مصنوع فارسی و معرفی دو قصیده مصنوع ناشناخته از دو شاعر گمنام» (۱۳۹۵) مطالب تازه‌ای در زمینه‌ی مذکور بیان نموده است. در میان نویسندگان غیرفارسی‌زبان نیز ظاهراً تنها دومنیکو انجنیتو (*Domenico Ingenito*) شاعر ایتالیایی و استاد دانشگاه آکسفورد در سخنرانی خود به این موضوع اشاره کرده است. وی در همایش بین‌المللی «از بلخ تا قونیه» که در مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی برگزار گردید، پس از خوانش این بیت از مولانا:

رستم ازین بیت و غزل، ای شه و سلطان ازل
مفتعلن مفتعلن مفتعلن کشت مرا

به شرح و تفسیر آن پرداخته و گفته است: «مولانا چندین بار از محدودیت‌های قالب شعر شکایت کرده است؛ اما چرا به جای فروآوردن سطح معنادار زبان شعر، به ساختار ژرف عروض (مفتعلن مفتعلن) نپرداخته و با وجود این بیزاری نظم‌ستیز نتوانسته است، نظم عروضی را به هم بریزد تا سخن خود را به آزادی افلاکی نوین برساند». (ر.ک. انجنیتو، ۱۳۹۰: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. <https://www.cgie.org.ir>) بنابراین نویسندگان این مقاله کوشیده‌اند، با استفاده از منابع کهن و معاصر، دیدگاه و کارکرد شاعران علاقه‌مند به علم عروض را در دو بخش «بررسی و تحلیل منظومه‌های عروضی و قصاید مصنوع» و «شیوه‌ی به‌کارگیری واژگان و اصطلاحات عروضی برای تأثیرگذاری و مضمون‌آفرینی در شعر» را بررسی و تحلیل کنند و اهداف شاعران را با داده‌های آماری در قالب جدول، ارائه نمایند.

۳. بهره‌گیری از شعر و نظم با هدف ارتقای آموزش عروض

با آنکه اغلب رساله‌های عروضی، بازتولید آثار پیشینیان بوده و قواعد عروض به نویسنده اجازه نمی‌دهند که تغییری